

## دست ننت درد نکنه با این عروس آوردنت!!

۹:۴۹ ساعت ۱۳۹۶ مهر ۱۲

رضاشاه هرگز نتوانست مشروعیت لازم را برای دستگاه حکومت پهلوی بدست آورد. چرا که او نه به شکلی مردمی، بلکه با یک کودتا توانست قدرت را در ایران قبضه کند. جدا از اینکه این کودتا نیز انگلیسی بود. از این رو حتی ارتش رضاشاه نیز آنگونه که باید و شاید به او وفادار نبودند. بخصوص اینکه بخش عمدۀ ای از این ارتش نیز سربازان وظیفه بودند. خاطرات کوثری به خوبی بیانگر این مسئله است . . .

کافه تاریخ- تاریخ شفاهی

رضاشاه هرگز نتوانست مشروعیت لازم را برای دستگاه حکومت پهلوی بدست آورد. چرا که او نه به شکلی مردمی، بلکه با یک کودتا توانست قدرت را در ایران قبضه کند. جدا از اینکه این کودتا نیز انگلیسی بود. از این رو حتی ارتش رضاشاه نیز آنگونه که باید و شاید به او وفادار نبودند. بخصوص اینکه بخش عمدۀ ای از این ارتش نیز سربازان وظیفه بودند. خاطرات کوثری به خوبی بیانگر این مسئله است:

«در ۱۳۱۸ وقتی برای خدمت یک ماهه احضار شده بودم با ازدواج ولیعهد با فوزیه مصادف شد. در گروهانی که من خدمت می کردم سربازان تازه به خدمت دعوت شده بودند. مسیر حرکت از کاخ گلستان به سعد آباد خیابان سپه و پهلوی بود. رضاشاه که در مراسم عقد کنان عصبانی شده بود زودتر از موعد مقرر از مجلس بیرون آمد. وقتی به چهارراه عزیزخان رسید به جای آن که مسیر خیابان سپه را ادامه دهد دست راست پیچید درست همان جایی که گروهان من به حالت راحت باش در کنار خیابان و پیاده رو بودند. دفعتا متوجه شدم یک اتومبیل با سرعت و بوق زنان در خیابان حرکت می کند و رضاشاه پارابلوم به دست فریاد می زد بروید کنار. من که این وضع را دیدم به سربازان و مردم دستور دادم کنار بروند و به این ترتیب راه را باز کردم. بچه ها در پیاده رو دست می زدند و می گفتند : دست ننت درد نکنه با این عروس آوردنت، به طوری که رضا شاه می شنید.»

منبع: علی اکبر کوثری، گفتگو با علی اکبر کوثری، تنظیم: مرتضی رسولی پور، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۳

ص ۶۳ - ۶۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۶۳۳۳>

آوردن-عروض-این-نکته-درد-منته-دست: